

سنجش آگاهی دهنده

نگاهی نوبه مفهوم و چرایی سنجش

عملکرد تحصیلی و یادگیری



احمد شریفان
دانشجوی دکتری سنجش و
اندازه‌گیری دانشگاه تهران

در سفر یاددهی و یادگیری، سنجش به‌عنوان عنصری آگاهی‌دهنده عمل می‌کند؛ به‌طوری‌که به واسطه‌ی اطلاعات روا و معتبری که از عملکرد تحصیلی و یادگیری یادگیرنده (گان) حاصل می‌شود، می‌توان بازخوردهای لازم را به تمامی عناصر برنامه‌ی درسی (به‌ویژه عناصر انسانی آن، یعنی معلم و یادگیرنده) به‌منظور هم‌سویی با یکدیگر در راستای تحقق اهداف برنامه‌ی درسی، ارائه کرد. این آگاهی به اندازه‌ای ضروری و مهم است که بدون آن نمی‌توان به انتظارات و اهداف آموزشی و پرورشی برنامه‌ی درسی دست یافت. لذا در این مقاله به مفهوم، چرایی و اهداف سنجش پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: سنجش، فلسفه‌ی سنجش، اهداف سنجش، هدایت یاددهی - یادگیری

در چار دیواری کلاس درس، شاهد گردهم‌آیی بسیاری از عناصر انسانی و غیرانسانی برنامه‌ی درسی مانند آموزگار، دانش‌آموز، محتوای آموزشی و امکانات آموزشی هستیم. در واقع قرار است در این محیط یاددهی و یادگیری اتفاق بیفتد! وقتی دقیق‌تر نگاه کنیم، این عناصر گردهم آمده‌اند تا با تعامل با یکدیگر به‌طور هماهنگ و هدفمند، تغییراتی (قابل مشاهده یا ناپیدا) در دانش‌آموز (به‌عنوان عنصر اصلی هر برنامه‌ی درسی) پدید آورند. لذا در چنین محیط یادگیری و یاددهی، آموزگار عامل صرف اجرایی برنامه‌ی درسی قصد شده در کلاس درس تلقی نمی‌شود، بلکه به‌عنوان شکل‌دهنده‌ی محیط یادگیری، برانگیزنده، راهنما، تسهیل‌گر، هدایت‌کننده و مشاور مطرح است که می‌تواند با دانش حرفه‌ای و هنر معلمی خود، به نقشی که بر عهده‌ی او گذاشته شده است، عمل کند. از سوی دیگر، دانش‌آموز نیز صرفاً دریافت‌کننده‌ی انفعالی دانش و در نهایت تغییرات مورد نظر برنامه‌ی درسی نیست، بلکه به‌عنوان سازنده‌ی فعال دانش

مورد توجه قرار می‌گیرد. زیرا متخصصان تعلیم و تربیت، امروزه به یادگیری به‌عنوان فرایندی ایستا و خنثی یا نتیجه‌ی عمل نگاه نمی‌کنند و برعکس، معتقدند یادگیری فعالیت‌هایی را منعکس می‌کند که یادگیرنده را قادر می‌سازد از تجربه‌های قبلی خود برای درک و ارزشیابی شرایط حال (وضعیت موجود) برای شکل دادن به عمل آتی و به‌نظم درآوردن دانش جدید استفاده کند. (آبوت، ۱۹۹۴ به نقل از واتکینز و همکاران، ۲۰۰۰)

ویژگی‌هایی که این تعریف از یادگیری را در مقایسه با سایر تعریف‌هایی که تاکنون از یادگیری به عمل آمده است، برجسته می‌کند، عبارت‌اند از:

- یادگیری فرایندی فعال است که تجربه‌های جدید را به تجربه‌های قدیم یادگیرنده مرتبط می‌کند و شامل تطابق و همسانی ایده‌ها، مهارت‌ها، اندیشه‌ها، باورها و نظایر آن می‌شود.

- بین گذشته، حال و آینده ارتباط برقرار می‌کند. البته این فرایند همیشه خطی نیست و یاد نگرفتن و یادگیری مجدد را نیز شامل می‌شود.
- یادگیری فرایندی تأثیرپذیر از نحوه‌ی یادگیری دانسته شده است؛ اگرچه یادگیری مؤثر ممکن است بعدها حاصل شود.

مطابق با تعریفی که از یادگیری ارائه شد، می‌توان گفت یادگیرنده از راه یادگیری توانایی انجام اعمال را کسب می‌کند. البته گاهی این توانایی به‌طور بالقوه باقی می‌ماند و امکان دارد بروز آن به‌صورت تغییر رفتار قابل مشاهده، تا مدتی به تأخیر بیفتد. بنابراین، یادگیری به ایجاد توانایی و شایستگی در یادگیرنده اشاره می‌کند که می‌توان با توجه به رفتار بالفعل (عمل آشکار) یادگیرنده آن را استنباط کرد. بنابراین، ما برای کسب آگاهی

از یادگیری یادگیرنده باید به رفتار قابل مشاهده یا به معنای دقیق‌تر، به عملکرد او (نتیجه عمل یادگیرنده) مراجعه کنیم. از سوی دیگر، توجه به دستاوردهای تحصیلی (تحقق اهداف یاددهی - یادگیری قابل مشاهده) و شایستگی‌های یادگیرنده (توانایی استفاده از آموخته‌ها در شرایط روزمره زندگی، شغلی و ...) نیز بیانگر پیشرفت معنی‌دار تحصیلی

یادگیرنده تلقی می‌شود که جزو اهداف والای هر نظام آموزشی و پرورشی است. به این ترتیب، با مشاهده تغییرات به وجود آمده در عملکرد یادگیرنده، استنباط خواهیم کرد که در او یادگیری اتفاق افتاده است. به‌ویژه یادگیری از نوع معنی‌دار شکل گرفته است. لذا، بنا به گفته ی آزوبل (۱۹۶۸)، به نقل از سیف،

(۱۳۸۶) ایجاد یادگیری معنی‌دار و نشان دادن آن به یادگیرنده (به‌عنوان عنصر محوری هر برنامه‌ی درسی) به شکل‌گیری انگیزش درونی برای یادگیری بیشتر منجر خواهد شد. بنابراین، بر پایه‌ی آنچه از نظر گذشت و با توجه به تغییر اساسی که درباره‌ی مفهوم یادگیری در باورهای متخصصان ایجاد شده است، دیگر نمی‌توان به عنصر دیگر برنامه‌ی درسی، یعنی سنجش، در معنای گذشته‌های آن (آخرین مرحله‌ی فرایند یاددهی - یادگیری) نگاه و از آن به منظور نمره‌دهی (فرایند کمی‌سازی عملکرد یادگیرنده) و ارتقا یا طبقه‌بندی یادگیرندگان استفاده کرد. در واقع، در گذشته سنجش کلاسی به‌عنوان سازوکاری برای فراهم کردن نمایه‌ای از یادگیری مورد توجه قرار می‌گرفت و از این الگوی قابل پیش‌بینی پیروی می‌کرد.

یعنی: ۱) آموزگار آموزش می‌دهد؛ ۲) دانش‌آموزان را درباره‌ی محتوای آموزش داده شده آزمون می‌کند؛ ۳) براساس نمره‌ی آزمون درباره‌ی میزان پیشرفت تحصیلی آنان قضاوت می‌کند؛ ۴) پس از آن به سوی درس یا دوره‌ی بعدی حرکت می‌کند.

این رویکرد به سنجش، با توجه به تغییراتی که در نظام آموزشی و پرورشی و به پیروی از آن در برنامه‌های درسی به عمل آمده است، تجدید نظر و بازاندیشی شده است تا خود را با تغییرات به عمل آمده منطبق و سازگار کند. به همین دلیل، مفهوم سنجش از بار معنایی جدیدی برخوردار شده است که آگاهی از آن‌ها و برداشت درست و منطبق بر تغییرات موجود، می‌تواند به ما آموزگاران در فرایند آموزش و یادگیری کمک کند.



افزایش زمان یا تنوع ابزارهای سنجش، ضرورتاً به افزایش یادگیری و تقویت آن منجر نمی‌شود

زیرا در دنیای امروز نقش معلم صرفاً آموزش محتوای کتاب و برنامه‌ی درسی به یادگیرندگان نیست، بلکه آموزش به یادگیرندگان است، به طوری که به یادگیری (به معنایی که در ابتدای این مقاله به آن پرداخته شد) آنان منجر شود. از این رو، سنجش باید فرایندی مستمر در کلاس درس و در طی فرایند یاددهی - یادگیری باشد. بنابراین، سنجش در صورتی که خردمندانه از آن استفاده شود، به عنوان یکی از عناصر مهم و ضروری برنامه‌ی درسی، هدف‌های متعددی را پوشش می‌دهد که در اینجا به آن‌ها پرداخته شده است.

اهداف سنجش

همان‌طور که گفته شد، هدف اصلی سنجش فراهم آوردن اطلاعات روا و معتبر درباره‌ی عملکرد تحصیلی و یادگیری یادگیرندگان به منظور تصمیم‌گیری آموزشی است. لذا سنجش، اهداف زیر را دنبال می‌کند که هر یک از ارزش و اهمیت خاصی برخوردارند:

- ایجاد انگیزه و علاقه به مطالعه و یادگیری؛
- آشنایی با هدف‌ها و انتظارات آموزشی و پرورشی؛
- درک و فهم درست از یادگیری یادگیرندگان؛
- اصلاح نارسایی‌ها و برداشته‌های نادرست یادگیری یادگیرندگان؛
- کشف نارسایی‌های آموزشی و پرورشی یادگیرندگان؛
- جهت‌دهی به رشد و پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان؛
- آگاهی از چگونگی رشد تدریجی یادگیرندگان در حیطه‌های گوناگون، با توجه به انتظارات آموزشی و پرورشی؛
- کشف فرایندهای روان‌شناختی مؤثر در یادگیری یادگیرندگان؛
- آگاهی از شکاف آموزشی موجود (بین هدف‌های آموزشی قصدشده و

۲. سنجش به عنوان یادگیری، فرایندی از پرورش و تقویت فراشناخت یادگیرندگان است. این نوع سنجش، بر نقش یادگیرندگان به عنوان ارتباط‌دهنده‌ی کلیدی بین سنجش و یادگیری تأکید دارد. زیرا وقتی یادگیرندگان ارزیابانی فعال، متعهد، دقیق و نقاد باشند، قادرند اطلاعات را درک کنند، آن‌ها را با دانش قبلی مرتبط سازند و از آن برای یادگیری جدید استفاده کنند. این نوع سنجش نوعی فرایند تنظیمی در فراشناخت است. لذا از این طریق یادگیرندگان بر یادگیری خود نظارت می‌کنند و از بازخورد ناشی از آن برای تعدیل، سازگاری و حتی تغییرات اساسی در آنچه درک کرده‌اند، استفاده می‌کنند. در این فرایند، معلمان می‌توانند به یادگیرندگان کمک کنند با آرامش بیشتری درباره‌ی یادگیری‌های خود به طور نقادانه تأمل و بررسی کنند؛

۳. سنجش یادگیری دارای ماهیتی تراکمی است و به منظور اطمینان از آنچه یادگیرندگان می‌دانند و می‌توانند انجام دهند، تعیین اینکه آیا آنان به اهداف برنامه‌ی درسی دست یافته‌اند، و گاهی برای نشان دادن جایگاه و موقعیت آنان در مقایسه با سایرین استفاده می‌شود. در ضمن، آموزگاران از این نوع سنجش، گزارش‌هایی تهیه می‌کنند تا بتوانند از آن‌ها برای تصمیم‌گیری‌های قابل دفاع استفاده کنند.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، این نوع نگاه به سنجش و قضاوت مبتنی بر آن، موجب می‌شود سنجش به عنوان یک تجربه‌ی با ارزش در یاددهی معلمان و یادگیری یادگیرندگان به شمار آید.

مفهوم سنجش و اثرات آن

سنجش را می‌توان به معنای فرایند نظام‌دار جمع‌آوری اطلاعات درباره‌ی عملکرد تحصیلی و یادگیری یادگیرندگان به منظور تصمیم‌گیری خردمندانه و سازنده‌ی آموزشی در ارتباط با نحوه‌ی کمک به تحکیم، اصلاح، بهبود و تعمیق یادگیری آنان تعریف کرد. شواهد قابل توجهی وجود دارند که سنجش در این معنا فرایندی قدرتمند در افزایش یادگیری است و به تقویت و تحکیم یادگیری منجر می‌شود و پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان را افزایش می‌دهد. البته باید به این نکته توجه داشته باشیم که افزایش زمان یا تنوع ابزارهای سنجش، ضرورتاً به افزایش یادگیری و تقویت آن منجر نمی‌شود، اما هنگامی که معلم از سنجش برای آگاهی از دانش، مهارت، شایستگی، باورها و ارزش‌های کسب‌شده‌ی یادگیرندگان در مورد محتوای آموزشی استفاده می‌کند، می‌تواند بر پایه‌ی اطلاعاتی که به دست می‌آورد، از سنجش در جهت اهدافی که در تعریف مفهوم سنجش از آن‌ها نام برده شد، بهره بگیرد. در واقع اهداف سنجش را می‌توان چنین برشمرد:

۱. سنجش برای یادگیری طراحی شده است تا به آموزگار اطلاعاتی ارائه بدهد که فعالیت‌های یاددهی - یادگیری را تغییر دهد و آن‌ها را تفکیک کند. به طوری که از اطلاعات جمع‌آوری شده نه تنها برای تعیین آنچه یادگیرندگان می‌دانند، بلکه برای دستیابی به این بینش که یادگیرندگان چگونه، چه موقع، و چرا آنچه را می‌دانند به کار می‌گیرند، استفاده کند. علاوه بر این، از اطلاعات مورد نظر برای کارآمد و اثربخش ساختن و هدفمند کردن آموزش و منابع استفاده کند و بازخوردهایی را برای یادگیرندگان فراهم کند تا در یادگیری خود پیشرفت کنند؛

کسب شده؛

- کشف راهکارهای متناسب با رشد هر یادگیرنده، به منظور گذر از مرز کنونی توانایی‌های او؛
- آگاهی از چگونگی تشکیل ساختارهای ذهنی مربوط به دانش و مهارت‌های اکتسابی و چگونگی فرایند و نحوه‌ی استفاده از آن در حل مسائل در شرایط و موقعیت‌های جدید؛
- پی‌بردن به شایستگی‌ها و

دستاوردهای تحصیلی یادگیرندگان؛

- مقایسه‌ی پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان با خود و سایرین؛
- ارتقای تحصیلی یادگیرندگان؛
- تعیین نقطه‌ی شروع تدریس؛
- آگاهی از اثربخش بودن فعالیت‌های آموزشی معلم و کوشش‌های یادگیری یادگیرندگان؛
- انطباق برنامه‌ی درسی و روش آموزش (تدریس) با سطح آمادگی

یادگیرندگان؛

- ارزشیابی عملکرد و کارایی عناصر نظام آموزشی و پرورشی؛
- اهرم مراقبت از نظام آموزشی و پرورشی در سطح ملی و ارائه‌ی بازخورد به عناصر برنامه‌ی درسی.
- و ...

همان‌طور که ملاحظه شد، سنجش برای فعالیت‌های آموزشی هر معلمی و کوشش‌های یادگیری هر یادگیرنده‌ای، عنصری متعادل‌کننده است. به این منظور، هم معلم و هم یادگیرنده در سفر یاددهی - یادگیری نیاز دارند (قبل، ضمن و بعد از آن) از اطلاعات حاصل از سنجش‌های ورودی، آغازین، تکوینی، تشخیصی، پایانی، و تراکمی استفاده کنند. لذا، هنگامی که آموزگاران به‌طور هماهنگ از راهبردهای سنجش در کلاس درس استفاده کنند، می‌توانند به یادگیرندگان کمک کنند تا از توانایی‌های خود آگاه شوند و ضعف‌هایشان را از طریق بازخوردهایی که دریافت می‌کنند رفع کنند. در نهایت، سنجش به ارائه‌ی آموزش کارآمد برای موفقیت یادگیرندگان در طول سفر یادگیری‌شان کمک می‌کند و یادگیرندگان نیز می‌توانند با دریافت بازخوردهای اثربخش، خودشان را با فرایند یاددهی - یادگیری همسو کنند.

منابع

۱. ایرل، لورنا و کاتز، استیون (۱۳۸۸). بازاندیشی در سنجش کلاسی (ترجمه‌ی محمد عسگری، غلامرضا یادگارزاده و کورش پرند). نجبگان تهران. (سال انتشار اثر به زبان اصلی، ۲۰۰۶).
۲. شریفان، احمد (۱۳۹۱). سنجش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان: فلسفه، اصول و انواع سنجش پیشرفت تحصیلی. واینا، تهران.
۳. شریفان، احمد (۱۳۹۱). سنجش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. تأثیر نمره و بازخورد بر پیشرفت تحصیلی. واینا، تهران.
۴. واتکینز، کریس؛ کارنل، ایلین؛ واگنر، پتسی؛ لورگ، کارولین؛ والی، کارولین (۱۳۸۶). یادگیری درباره‌ی یادگیری: منبعی برای حمایت از یادگیری اثربخش (ترجمه محمود جمالی فیروزآبادی و احمد شریفان).

